

افغانستان و همسایه های آن

روزی و روزگاری، لسان الغیب (حافظ شیراز) فرمود:

محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببرد قصه ی ماست که بر هر سر بازار بماند

فرموده ی حافظ بزرگ ، بحال برخی از سفله خویان در چار چوب دولت
کنونی پاکستان و حلقات احزاب مرتجع آن کشور خوب مصداق دارد.

از روزیکه خطاکاران جانب افغانی، از طریق ستمگریهای دوامدار و
ارتکاب عمل کودتا و کشتار جنون آمیزشان در افغانستان، ملیونها انسان را
مجبور به فرار از میهن نموده و مملکت را به زندان بی دیوار مبدل کردند،
دو همسایه ی شرقی – غربی ما (ایران و پاکستان) دستِ غدر و فریب و
خیانت از آستین بیرون آورده با سواستفاده از فرصت های نامساعد جانب
مردم ما ، بحق افغان و افغانستان از ارتکاب هیچ نوع عمل ضد ملی، ضد
افغانی و ضد کرامت انسانی دریغ نکرده و هنوز هم نمیکنند.

هرگاه از غداریها و جفاکاریهای شعبده بازانه ی مقامات ایران و پاکستان در
سالهای جهاد مردم افغانستان یک لحظه بگذریم که داستانی است بسیار
دردناک و غمناک، باید به غداریها و فریبکاریهای ده سال پسین این دو
همسایه ی ناجوانمرد در حق مردم عزیز ما اندکی توجه کنیم:

این دو همسایه ی شرقی – غربی افغانستان در سال 2001 میلادی، آنگاه که
امپراتوری یکه تاز جهان (امریکا) تصمیم به انتقام کشی بخاطر انفجار آسمان

خراشهای شهر نیویارک گرفت، دوحکومت به اصطلاح اسلامی و دخیل در امور افغانستان، چنان هر اسیده بودند که به زودی با کاخ سفید از در همدردی و همکاری پیش آمدند.

آنها تصور کرده بودند شاید امپراتور جهان بخاطر بنیادگرایی و تروریست پروریهای آشکار شان ویا از راه هر بهانه ی دیگر، آنان را نیز گوشمالی دهد، ولی به تدریج، با ملاحظه ی سیاست های غلط و انحرافی امریکا در افغانستان و مشغولیت های بیجای آن در عراق، روز تا روز تشجیع شده خود شان را قدم به قدم آماده ی غداری، فریبکاری و دخالت بیشتر در امور کشور جنگزده و تباه شده ی افغانستان ساختند.

تا آنجا که پرویز مشرف رییس جمهور وقت پاکستان، خواستهای غیر عادلانه و نظرات استعماری اش در مورد افغانستان را بالای امپراتور امریکا قبولاند، گروه های تروریست فراری را مجدداً سر و سامان داد، به جابجا سازی جواسیس خویش در نهاد های دولتی افغانستان را آغاز نمود، به حملات لفظی و نظامی و تبلیغاتی علیه منافع ملی مردم افغانستان پرداخت و حتا ملا و مفتی و طالب و صوبه دار آن کشور دهن به یاوه گویی گشودند، حمید گلها، نصیر الله بابرها، رحمن ملک ها، فضل الرحمن ها و نواز شریف ها و امثالهم، از هیچ نوع لجن پراگنی و انجام دادن هیچ نوع کشتار و انفجار و انتحار در حق ملت مظلوم افغانستان دریغ نکردند و نمیکنند.

چنانکه دلقک کینه توزی بنام رحمن ملک وزیر امور داخله ی پاکستان، همانطور که ظرف سالهای پسین، به مراتب دهن به یاوه گویی علیه افغانستان گشوده است، در ماه های اخیر نیز پرده ی حیا را کاملاً دریده میگوید که

"تروریستها از قلمرو افغانستان به خاک پاکستان حمله میکنند و بر میگردند."

عنصر سوگند خورده ی دیگری بنام جنرال حمید گل پاکستانی میگوید " طالبان در افغانستان پیروز میشوند ، امریکا شکست میخورد و کرزی با همکاریش بخارج فرار میکنند"

و حتا عمران خان، کرکت باز پاکستانی که در سالهای اخیر شوق سیاست بازی به سرش زده و به همکاری تنگاتنگ شبکه ی جاسوسی نظامی آن کشور، دارای حزبی بنام " تحریک انصاف" شده ، عمل غیر انسانی انفجار و انتحار و ارتکاب اعمال تروریستی در افغانستان را " جهاد " میخواند و دیده شود که در روز های آینده، خدمه و چپراسی و چوکیدار و جامه دار حکومتی پاکستان نیز چهای دیگری برضد ملت افغانستان خواهند گفت.

ما، این همه یاوه گویی و لجن پراگنی و بی حیایی جانب حکومت پاکستان علیه افغانستان را در وجود ضعیف و ناتوانی و سازشکاری دولت حامدکرزی و عدم درایت حکومت مداران افغانستان جست و جو میکنیم . ورنه مردم افغانستان تا این حد زار و زبون نشده بودند که نوکران رسمی و تاریخی انگریز و امریکا چنین گستاخی هایی را در حق شان انجام دهند.

جمهوری اسلامی ایران نیز علاوه از جابجایی جواسیس بومی و ایرانی در نهاد های دولتی افغانستان و حمایت های مالی و سیاسی افراد و گروه های " تنظیمی – جهادی "، نه تنها گروه های تروریستی طالبان را به ضد منافع ملی مردم افغانستان تجهیز و تقویت میکند ، بلکه با پرداخت رشوه به مقامات بلند پایه ی افغانی و اعمال نفوذ سیاسی و استخباراتی اش در تار و پود نهاد

های دولتی ، اقدام به زور گویی و مداخله ی آشکار در امور داخلی افغانستان مینماید و حتا هزاران تن از پناهنده های بی پناه و بینوای ما را نه تنها تحقیر و توهین بسیار مینماید، بلکه آنان را به زندان ها می افگند و هر شب و روز به چوبه های دار میکشد و هیچ باکی از شرمساری انسانی و تاریخی و یا حسن همجواری و همسایه گی هم نمی نماید.

عوامل اصلی این جفا ها و ریا ها و دخالت ها را نیز باید در وجود دولت بی ثبات ، ضعیف ، دست نگر و بی درایت حامد کرزی جست و جو نمود.

جای تعجب اینست که ایران قبلاً پیمان به اصطلاح ستراتژیک با جانب دولت افغانستان به امضا رسا نیده و در لفظ، صدالبته، داد از " دوستی " (؟) و " خیرخواهی " (؟) میزند، پاکستان هم در نظر دارد عنقریب همین کار را انجام دهد. حال سوال مطرح میشود که منظور و مقصود آقایان از امضای این پیمان ها چیست ؟ اگر تعهد و پیمان نتواند جلو جفا و جنایت همسایه ها را بگیرد، امضای آنها جز فریب افکار عامه، چیز دیگری خواهد بود ؟

آیا مردم غمدار و دردمند افغانستان حق نخواهند داشت از چنین همسایه ها و چنین رژیم های به اصطلاح اسلامی تا مغز استخوان شان نفرت داشته باشند ؟ (پایان)